

زَیْدُ الْکَبْرِی
مِنَ الْمُهَدِّیْنَ إِلَى التَّحَدِّ

بقلم المرحوم
السید محمد کاظم القزوینی
قدس سره

از ولادت تا شهادت
زندگانی حضرت زین العابدین
(سلام الله علیه)

مترجم: محمد اسکندری

زندگانی حضرت زینب کبری (س)

موضوع: ترجمه زینب کبری (سلام الله علیها) من المهد الى اللحد

مؤلف: مرحوم آیت الله سید محمد کاظم قزوینی (ره)

مترجم: محمد اسکندری

ناشر: مهر یاس شمیم

ناشر همکار: آرام دل

ناظر چاپ: محمد مهدی فتاحی

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۸۷

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

قزوینی محمد کاظم، ۱۳۰۸ - ۱۳۷۳. الزینب کبری (س) من المهد الى اللحد. فارسی. زندگانی

حضرت زینب (س) / مؤلف محمد کاظم قزوینی - مترجم: محمد اسکندری. تهران: مهر یاس شمیم ۱۳۸۷

۴۶۴ ص. کتابخانه ۴۶۴ ص به صورت زیرنویس. زینب (س) بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ ق. زینب (س)،

بنت علی (ع) ۶ - ۶۲ ق - احادیث. واقعه کربلا، ۶۱ ق. اسکندری، محمد، ۱۳۵۴ - مترجم.

۱۳۸۷ - ۴۳۳۰۴۱/۲/۳ BP - ۲۹۷/۹۷۴ - ۱۵۱۹۱۳۸ - شایک ۶ - ۹۰۸۰۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مرکز بخش: ۱. تهران - میدان انقلاب - خ کارگر جنوبی - خیابان شهدای ژاندارمری

پاساژ کوثر پلاک ۴ کانون فرهنگی ریحانه تلفن: ۶۶۹۷۲۵۹۷ - ۰۹۱۲۱۰۰۶۳۵۰

مرکز بخش: ۲. تهران - میدان انقلاب - خ کارگر جنوبی - خیابان شهدای ژاندارمری

پاساژ کوثر پلاک ۷ انتشارات آرام دل تلفن: ۶۶۹۷۱۶۹۹ - ۶۶۹۷۱۶۹۷

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أفضل الخلق أجمعين، سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم، لعنة دائمة الى يوم الدين.

و اما بعد...

حضرت زینب کبری علیها السلام دومین زن بزرگ در میان بزرگترین زنان اهل بیت محمدی علیه السلام است، که زندگی شریفش پر از فضائل و کرامات بوده و اسباب عظمت و بزرگی و قداست و معنویت در آن موج می زند و وجود پربرکتش انباشته از توانایی ها و استعدادها و قابلیت ها و عوامل پیشرفت و ترقی است.

از این جهت هر صفحه از صفحات زندگی نورانی اش زمینه ی مناسب و شایسته ای است برای تحقیق و بررسی، و باید توجه داشت، که از یک جهت مطالعه ی زندگی آن حضرت از بافضیلت ترین انواع عبادات و راههای تقرب به خداوند سبحان به شمار می رود و از جهتی دیگر تدبر و تفکر در نکات تاریخی که از زندگی این بانوی بزرگ به دست ما رسیده است درسهای سودمندی به انسان می دهد، که در بسیاری از شئون مختلف زندگی به کار می آید.

علاوه بر آن، تحقیق و تألیف پیرامون زندگی درخشان او سعی و تلاشی است در راستای ارائه ی یک صورت واضح و روشن از چهره ی برترین الگوی زنان مؤمن و یا بهتر بگوییم، برترین مقتدا و پیشوا برای تمام زنانی که به دنبال زندگی سعادت مند و رسیدن به بهشتی که وسعت آن به اندازه ی آسمانها و زمین است می گردند.

و چه نیکو و چه زیباست که داستان زندگی این بانوی بزرگ را در کتابی بخوانیم که به قلم یکی از نورانی ترین ستارگان درخشان آسمان خطابه و تألیف به نگارش درآمده است، مرد

شجاعی که با قلم و زبانش از بارزترین مجاهدان راه خدا است و او کسی نیست جز علامه‌ی بزرگ و خطیب زبردست و توانا سید محمد کاظم قزوینی - رضوان الله علیه -.

حقیقتاً علامه قزوینی خطیبی برجسته برای مجالس امام حسین علیه السلام بوده و سخنران توانایی برای عموم مردم به شمار می‌رفته است و همین مطلب او را در جایگاهی قرار می‌دهد که بتواند در تحقیق و بررسی زندگی حضرت زینب علیه السلام به نتایج سودمندی دست یابد.

شاید اولین باری که فکر تألیف کتابی پیرامون زندگی حضرت زینب علیه السلام به ذهنش خطور کرد همان ابامی بود که در سال ۱۳۹۶ هـ ق مشغول تألیف کتابی درباره‌ی زندگی سرور زنان عالم صدیقیه‌ی طاهره، فاطمه زهرا علیه السلام، بوده است، لکن مشکلات و گرفتاری‌هایی بین او و تحقق این فکر و آرزوی قلبی‌اش فاصله انداخت، تا اینکه در سال ۱۴۰۹ هـ ق تصمیم بر نوشتن گرفت و شروع به تألیف کتابی در این زمینه نمود.

او تمام تلاش خود را به کار گرفت تا بتواند مواد لازم و کافی پیرامون زندگی حضرت زینب علیه السلام قبل از فاجعه‌ی کربلا را جمع کند و بر زوایای روشن و گویای ابعاد مختلف این مرحله مسلط شده و آن را به صورت تحقیقی تحلیلی درآورد، چرا که آن حضرت قبل از فاجعه‌ی عظیم کربلا در حدود پنجاه و شش سال زندگی کرد و زندگی‌اش پر از حوادث و وقایع مختلفی بود که آن حضرت نقش مهمی در تمام آنها داشت، حضرت دارای شخصیتی نیرومند بود و بانوی لحظه‌ها و صاحب اقدامات بزرگ و هنگام نیاز به رهبری و ارشاد، مقتدا و پیشوای زنان اهل بیت علیهم السلام بلکه تمام زنان مؤمن به شمار می‌رفت.

اما چگونه گذشت زندگی او زمانی که کودکی بود نوشکفته در حالی که مادرش زهرا علیه السلام را از دست داده بود؟

و چگونه گذشت زندگی او هنگامی که دختری بود در خانه‌ی پدرش؟

و چگونه گذشت زندگی او هنگامی که نکیه گاه و پشتیبانی بود برای پدر و برادرانش؟

چه علائم و نشانه‌هایی از زندگی زناشویی او موجود است؟

روش او در تربیت فرزندان و میوه‌های دلش چگونه بود؟

راز موفقیت او در اداره‌ی زندگی خانوادگی‌اش چه بود؟
 جزئیات رهبری و اصلاحات او در ارشاد و هدایت امور زنان چیست؟
 چه مطالب و نکاتی از درس‌ها و سخنرانی‌هایی که در مدت چهار سال برای زنان کوفه
 ایراد نمود موجود است؟

چگونه توانست میان حجاب و فعالیت‌های فرهنگی، عفت و آموزش و پرورش،
 دینداری و سیاست و اداره‌ی منزل و حضور در اجتماع را با هم در وجود خود جمع کند؟
 از ابعاد عبادی و زهد و سخاوت و محبت به دیگران در زندگی او چه نکاتی موجود
 است؟

چه علمی را مستقیماً و بدون آموزش و تعلیم دیگران به دست آورده است؟
 چه ویژگی‌ها و شاخصه‌های بی‌نظیری او را به حق، دومین زن بزرگ در میان زنان بزرگ
 اهل بیت علیهم‌السلام بلکه در میان تمام زنان بزرگ تاریخ قرار داده است؟
 و چه صفات نفسانی ویژه‌ای در وجود اوست که موجب شده آن حضرت به عنوان
 ستاره‌ای درخشان در آسمان بزرگواری و جاودانگی نورافشانی کند و نامش پیوسته در کنار
 نام برادرش امام حسین علیه‌السلام به عنوان نشانه‌ای برای برترین یاور دین و کسی که بر روی
 ظالمان فریاد کشیده است، بدرخشد؟

و حضرت چه صورت واضح و روشنی از یک بانوی مؤمن نمونه ارائه نموده است؟
 و چه... و چه و چه؟

آری، ...

علامه‌ی قزوینی رحمته‌الله تمام تلاش خود را برای جمع‌آوری مدارک تاریخی لازم از زندگی این
 بانوی بزرگ به کار گرفت، ولی متأسفانه دچار بیماری لاعلاجی شد که به سرعت در بدن او
 شروع به پیشرفت نمود و سیر تألیف کتاب را با کندی مواجه ساخت تا اینکه قبل از تکمیل
 بعضی از فصول این کتاب، منجر به وفات این عالم بزرگ شد.

او برخی از صفحات این کتاب را بر روی تخت بیمارستان ابن سینای کویت نوشت و آن
 زمانی بود که برای انجام پاره‌ای از آزمایشات پزشکی و تحقیق برای کشف درمان

بیماری اش در آنجا بستری بود.

او اشتیاق فراوان و شدیدی برای تکمیل و اتمام این کتاب داشت و این دلایل متعددی داشت که از جمله‌ی آنان می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

۱- وی در خواب رؤیایی دیده بود که او را تشویق به اقدام برای تألیف این کتاب می‌نمود.

۲- احتمال وفات به خاطر مرضی که دچارش شده بود.

اما خواب؛ او در اثناء تألیف کتاب و بعد از فراغت از نوشتن فصل - خواستگاری مروان از حضرت زینب علیها السلام برای یزید بن معاویه - در خواب مجتهد فقیه آیت الله سید حسین قمی رحمته الله - وفات - سال ۱۳۶۸ هـ ق - را می‌بیند که به سوی او می‌آید و به گرمی او را در آغوش می‌گیرد و سپس به حالت دعا به او می‌گوید: «خداوند دستانت را ببوسد» و با به حالت خبری به او می‌گوید: «خداوند متعال دستت را می‌بوسد»!

این مؤلف بزرگوار وقتی از خواب بیدار می‌شود مدّتی طولانی در تعبیر و تفسیر رؤیای خود به فکر فرو می‌رود چرا که آن را خواب بسیار مهمی به حساب می‌آورده است و با اینکه معلومات وسیعی در تعبیر خواب داشته و در این کار بسیار خبره بود ولی تعبیر آن را از یکی از عالمان متخصص در تعبیر خواب می‌پرسد.

عالم مذکور به او می‌گوید: آیا برای خدمت به یکی از نزدیکان امام حسین علیه السلام مانند همسر و یا خواهرش اقدامی انجام داده‌ای؟

علامه‌ی قزوینی جواب می‌دهد: بله، من مشغول نوشتن کتابچه‌ای درباره‌ی حضرت زینب کبری علیها السلام هستم.

آن عالم می‌گوید: خدمت تو مورد رضایت امام حسین علیه السلام واقع شده و معنای جمله‌ی «خداوند متعال دستت را می‌بوسد» این است که آنچه نوشته‌ای مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته است.

هنگامی که ایشان مشغول تألیف این کتاب بودند از من خواستند آن را با خود به خانه‌ام ببرم و با دقت مورد مطالعه قرار دهم و ملاحظات و نقطه نظرات خود را برای او بیان کنم.

بعد از وفات این عالم بزرگ با توجه به مصالحتی که در سالهای پایانی زندگی اش به من گوشزد کرده بود، تصمیم به انجام تحقیقات تکمیلی درباره‌ی این کتاب گرفتم و به دو دلیل اقدام به این کار کردم:

اول: ^۱انجام خدمتی ناچیز برای سرور و مولایم حضرت زینب کبری علیها السلام.

دوم: احسان و کمکی از جانب خودم به پدرم.

□□□

دوست دارم توجه خواننده‌ی محترم را به چند نکته جلب نمایم:

نکته‌ی اول: نا جایی که ممکن بود سعی کردم بین مطالب کتاب و اضافاتی که از جانب من بود مرز مشخصی بگذارم برای همین اضافات خود را در پاورقی کتاب قرار دادم و در پایان آن نوشتم «محقق».

و این مسأله‌ای است که خوانندگان محترمی که به شیوه‌ی نگارش پدر بزرگوارم عادت کرده‌اند متوجه آن خواهند شد.

نکته‌ی دوم: فصل پایانی این کتاب به طور کامل از اضافات این جانب می‌باشد با این حال بیشتر سعی نمودم اشعاری را ذکر کنم که پدرم آنها را دوست می‌داشت.^۱

نکته‌ی سوم: کار من در آماده کردن این کتاب عبارت بود از: مطالعه‌ی تمام کتاب از اول تا آخر و ثبت آیات و روایات آن و ذکر منابع آنها و نیز شرح برخی از کلمات دشوار آن با مراجعه به کتاب‌های لغت.

نکته‌ی چهارم: با توجه به اینکه در شماره‌ی صفحات و اجزاء برخی از منابع کتاب به دلیل چاپ‌های متعدد آنها اختلافاتی وجود داشت منابع اصلی را در پایان کتاب با نام کامل و معرفی مؤلف آن و نیز بیان سال و محل چاپ ذکر کردیم تا مراجعه به آنها برای خواننده‌ی محترم آسان‌تر باشد.

۱- که دلیل اصلی نیز می‌باشد.

۲- به دلیل اینکه تمام فصل آخر کتاب اختصاص به اشعار عربی داشت، به سفارش ناشر محترم از ترجمه‌ی آن صرف نظر نمودیم. «مترجم»

آشنایی با مؤلف کتاب

اکنون توجه شما را جلب می‌کنم به نگاهی گذرا و کوتاه و در عین حال با دقت به زندگی مؤلف این کتاب علامه‌ی قزوینی رحمته‌الله:

سید محمد کاظم فرزند مجتهد فقیه آیت الله سید محمد ابراهیم فرزند عالم بزرگ و مرجع دینی زمان خود: آیت الله سید محمد هاشم موسوی قزوینی رحمته‌الله است. او در سال ۱۳۴۸ ه.ق در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و در خانواده‌ای که از عالمان و فقیهان و خطیبان و شاعران و مردان ادب و اندیشه و قلم موج می‌زد به رشد و کمال رسید، خانواده‌ای که از شریفترین خانواده‌ها و قبائل سرزمین کربلا است و بیش از دوپست و پنجاه سال است که ساکن آن شهر مقدس می‌باشند.

مقدرات الهیه چنین اقتضا نمود که مؤلف گرانقدر یگانه فرزند والدین خود باشد، زیرا مرگ قبل از ولادت او تمام خواهران و برادرانش را که تعدادشان به سیزده نفر می‌رسید، اعم از دختر و پسر، از میان برد در حالی که غنچه‌هایی بودند در سنین کودکی و طفولیت. پس از آن، تیرهای حوادث در همان سنین کودکی متوجه او شد، ناگهان با مرگ غم‌انگیز مادرش مواجه گردید در حالی که ده سال بیشتر نداشت و بدین ترتیب او فرزند نازپرورده‌ی پدرگشت. وقتی به دوازده سالگی رسید پدرش نیز از دنیا رفت و بعد از آن در معرض حوادث ناگواری قرار گرفت که همچون طوفان از هر طرف بر زندگی او وزیدن گرفته بود، ولی خصلت‌های «اعتماد به نفس» و «توکل بر خداوند متعال» در وجود او بسیار قوی بود و او را در مقابل باده‌ها و طوفانهای حوادث همچون مبارزی شکست‌ناپذیر قرار می‌داد.

تحصیلات دینی خود را در حوزه‌ی علمیه کربلای معلّی به پایان رساند و در علم و دانش به درجه‌ی بالایی دست یافت و در خطابه و منبر چنان تخصصی بدست آورد که یکی از تواناترین خطیبان زمان خود شد.

محافل و مجالس دینی او در شبهای ماه مبارک رمضان از جهت اینکه مجالسی تربیتی و ارشادی به شمار می‌رفت و صرفاً تاریخی نبود، ممتاز بود و از دیگر امتیازاتش این بود، که بیشتر شرکت‌کنندگان مجالس او از میان جوانان و طبقه‌ی تحصیل‌کرده و با استعداد بودند. علامه‌ی قزوینی رحمته‌الله تعداد زیادی خطیب ممتاز و برجسته برای منبرهای امام حسین علیه‌السلام پرورش داد که امروزه از بارزترین و مشهورترین سخنوران عالم تشیع در عصر حاضر به شمار می‌روند.

او در سال ۱۳۸۰ ه. ق. مؤسسه‌ای دینی با نام «رابطه‌النشر الاسلامی» تأسیس نمود، که هدف آن پخش و توزیع رایگان کتابهایی با موضوع بررسی مذهب اهل بیت علیهم‌السلام در میان مسلمانان جهان بود، ابتدا فعالیت این مؤسسه محدود به شهرهای کشور مراکش بود ولی بعدها شهرهای الجزایر، لیبی، تونس و برخی از کشورهای آفریقایی مانند سنگال و نیجریه را نیز تحت پوشش خود قرار داد.

علامه‌ی قزوینی رحمته‌الله از طریق این مؤسسه توانست بسیاری از مردم غافل مراکش را که روز عاشورا را بنا بر سنت بنی‌امیه، روز عید و جشن و سرور و روز برگزاری مراسمات عروسی خود قرار می‌دادند، هدایت و آگاه نماید.

آن روزها، روز دهم محرم در شهرهای مختلف کشور مراکش بزرگترین عید عمومی به شمار می‌رفت و به نام «عید عاشورا» شناخته می‌شد، علامه‌ی قزوینی در سال ۱۳۸۸ ه. ق. به آن سرزمین سفر کرد و دو هفته قبل از روز عاشورا مقاله‌ای آتشین و داغ در مجله‌ی مراکشی «العالم» منتشر نمود و از مردم مراکش به خاطر اینکه روز حزن و اندوه‌خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم را روز عید و شادی خود قرار می‌دهند به شدت انتقاد کرد و این عمل را مبارزه و جنگ طلبی آشکاری بر ضد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم به شمار آورد و به آنان درباره‌ی خطرات بزرگ حاصل از این وضع و حالت شرم‌آور در برابر اهل بیت پاک و طاهر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم هشدار داد.

سالی که این مقاله منتشر شد در میان مردم مراکش رعب و وحشت فراوانی افتاد و بدین ترتیب سنت برگزاری عید در آن روز از میان رفت و مانند بقیه روزهای سال بدون جشن و

سرور گردید.

و این خود دلیل روشنی بر شایستگی علامه‌ی قزوینی و موفقیت خط مشی و روش حکیمانه‌ی او.

این مؤسسه علی رغم کمبود بودجه‌ای که داشت توانست بیش از چند میلیون کتاب را در طول بیست سال منتشر سازد.

و اما جهاد او با قلم؛ علامه قزوینی از همان ابتدای جوانی شروع به نوشتن مقاله و تألیف کتاب نمود که بارزترین تألیفاتش عبارتند از:

۱. شرح نهج البلاغه

۲. سلسله کتابهایی درباره‌ی زندگی اهل بیت علیهم‌السلام با نام: «... من المحدث الى اللحد» یعنی «... از ولادت تا شهادت». از این مجموعه، زندگی شش تن از معصومین علیهم‌السلام را به اتمام رساند.
۳. نهایتاً شروع به تألیف دائرةالمعارفی بزرگ و بی نظیر از زندگی امام جعفر صادق علیه‌السلام در حدود پنجاه جلد نمود، که این طرح بزرگ از وسیع‌ترین عطایا و کرامات ماندگاری است که تقدیم نموده است.

یکی از مراحل درخشان زندگی علامه‌ی قزوینی این است که: او در سال ۱۳۹۸ ه.ق اقدام به سفری تبلیغی به قاره‌ی اقیانوسیه - استرالیا - نمود تا صدای اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام را به مسلمانان شیعه‌ی آنجا برساند، مسلمانانی که زیر گامهای فقر فرهنگی و ایمانی و ناآگاهی دینی قرار داشتند و گرفتار سختیهای غربت و دوری از سرزمین‌های اسلامی بودند، او در شهر «سیدنی» مسجدی به نام «مسجد فاطمه زهرا علیها‌السلام» بنا نهاد و در خلال سفر خود که بیش از یک ماه طول کشید در آن مسجد دهها محفل و مجلس دینی که به صورت گروهی تشکیل می‌شد، برقرار نمود و در این مدت همچون فاتح بزرگی که وارد سرزمینی دورافتاده شده باشد، تحولات مهمی در نفوس و ارواح آنان پدید آورد و روح ایمان و عمل به مبانی دین مبین اسلام و عزت و افتخار به مذهب حق، یعنی «مذهب اهل بیت علیهم‌السلام» را به آنان بازگرداند.

علامه‌ی قزوینی رحمته‌الله در حدود چهل و شش سال در وطن خود - شهر مقدس کربلا -

اقامت نمود، سپس در سال ۱۳۹۴ ه. ق از عراق به کویت مهاجرت کرد و در حدود شش سال در آنجا زندگی کرد و در این مدت اقدام به فعالیت‌های وسیع و گسترده‌ی دینی و تربیت گروهی از جوانان مؤمن آن دیار نمود، پس از آن در سال ۱۴۰۰ ه. ق از کویت به ایران مهاجرت کرد و در شهر مقدس قم ساکن شد و پیوسته مشغول شرح و بیان عبرت‌ها و نکته‌های منبری و قلمی بود و از بهترین معلمان و مربیان و برترین مداحان و مرثیه‌سرایان حضرت سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام، به شمار می‌رفت.

تقریباً دو سال و نیم قبل از وفاتش دچار مرضی شد که به تدریج دو قسمت از مراکز عصبی مغز را که وظیفه‌ی تحریک حرکات ارادی زبان برای سخن گفتن و نیز قدرت بلعیدن غذا را بر عهده داشتند، دربرگرفت، تا اینکه بعد از سختیها و مرارت‌های فراوانی که در ماه‌های پایانی عمر شریفش تحمل نمود، موجب وفات او شد.

آن عالم بزرگ و گرانقدر در روز پنج‌شنبه سیزدهم جمادی‌الثانی سال ۱۴۱۵ ه. ق زندگی را درود گفت و به جوار رحمت الهی منتقل شد، خداوند روحش را مورد رضایت و خوشنودی خویش قرار دهد.

پس از وفات آن علامه‌ی خبیر، تشییع جنازه‌ی با عظمتی برای او در شهر مقدس قم برگزار شد که از طبقات مختلف جامعه و از هر قشری در آن شرکت کردند.

او پس از خود سه دختر و پنج پسر به یادگار گذاشت که دوتن از آنان متخصص در منبر و تألیف کتاب می‌باشند و سه نفر دیگر هم خود را وقف فقاهت و اجتهاد نموده‌اند.

در پایان، قبل از هر کس، خداوند متعال را شاکرم که توفیق تحقیق و تدوین این کتاب را بر من ارزانی داشت و سپس وظیفه‌ی خود می‌دانم از تمام کسانی که در این مورد سهمی داشته و مساعدتی نموده‌اند تشکر نمایم، به خصوص خطیب توانا و مخلص جناب آقای شیخ علی اکبر قحطانی که تمام کتابها و تألیفاتی را که پیرامون حضرت زینب کبری علیه السلام به رشته‌ی تحریر درآمده و در کتابخانه‌ی پر برکت او موجود بود در اختیارم قرار داد.

«مصطفی بن محمد کاظم فزونی»

۱۴۲۰/۱۲/۹ ه. ق - قم - ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله كما هو أهله والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرف برّيته محمد وآله الطاهرين، الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً.

خدای را آنگونه که شایسته‌ی اوست حمد و سپاس می‌گویم و درود و سلام می‌فرستم بر برترین خلق او و شریف‌ترین آفریدگانش، محمد ﷺ و خاندان پاکش، همان کسانی که خداوند هرگونه آلودگی و پلیدی را از آنان دور ساخت و ایشان را پاک و پاکیزه قرار داد.

و اما بعد، در تاریخ بشریت مردان و زنان بسیاری یافت می‌شوند که در علوم و فنون مختلف از نبوغ سرشاری برخوردارند و آوازه‌ی آنان سراسر عالم را فرا گرفته است و حظ و بهره‌ی آنان از جوامع بشری تقدیر و تکریم و بزرگداشت و تجلیل به هر شکل ممکن است، زیرا آنان به دلائل مختلف از دیگران ممتاز و برترند.

و این امری طبیعی است که هر انسانی به واسطه‌ی یک یا چند مزیت نسبت به کسانی که فاقد آن مزایا می‌باشند، با فضیلت‌تر باشد.

مطعناً اولیاء الهی به دلیل وجود ابعاد مختلف و متعدد نبوغی در صف مقدم نوابغ جای دارند.

خاندان پاک و طاهر نبوی ﷺ نیز مردان و زنانی را در خود جای داده است که اسامی و عناوین بارز و آشکاری در عرصه‌ی آفرینش و تکوین می‌باشند و در صف مقدم کسانی قرار دارند که محال است روزگار امثال آنان را پیدا کند.

ما می‌خواهیم در این کتاب از زندگی بانویی سخن بگوییم که سیزده قرن و نیم، پیش از

این زندگی می‌کرد و زندگی شریفش در تمام ابعاد آن از زندگی دیگر زنان بزرگ تاریخ مشخص و ممتاز است.

او حضرت زینب کبری علیها السلام دختر امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

او یکی از شخصیت‌های کم‌یاب عالم وجود و نشانه‌ای از ابداعات و نوآوری‌های آفرینش خداوند متعال و محل ظهور آیات بزرگ الهی و موجب افتخار تاریخ است. ما هرگاه درباره‌ی اسباب و عوامل بزرگی و شرافت، با انواع و اقسام مختلفی که دارد، در تاریخ بشریت به مطالعه و تحقیق می‌پردازیم تمام آن اسباب و یا بخش اعظم آن را در وجود مقدس حضرت زینب علیها السلام به وفور مشاهده می‌کنیم و هنگامی که بر اساس قانون وراثت به شخصیت آن حضرت می‌پردازیم او را در میان هاله‌ای از انوار درخشان شرافت و بزرگی می‌یابیم که نظیری ندارد و هیچ زنی جز مادرش حضرت زهرا علیها السلام پیش از او به آن مقام دست نیافته و هیچ زنی هم بعد از او به آن دست نخواهد یافت و هیچ جوینده‌ای آن را درک نخواهد کرد، چرا که او دختر بزرگ امیرالمؤمنین امام علی بن ابیطالب علیه السلام است، همان مولائی که دومین مرد بزرگ عالم هستی است و بعد از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شریف‌ترین انسانی است که آسمان بر او سایه افکنده و زمین او را در برگرفته است.

و اما مادرگرامی‌اش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، است که سرور و مولای زنان عالم هستی و شریف‌ترین و برترین آنان در هر دو جهان است بیش از این چه می‌توان گفت درباره‌ی مادری که دختری پرورش داده و به کمال رسانده که در هوش و ذکاوت سرآمد دیگران است، دختری که فضائل و کرامات را از سینه‌ی بهترین مادر عالم نوشیده و در دامن دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و محبوب دل آن حضرت پرورش یافته و به رشد و کمال رسیده است.

حضرت زینب علیها السلام دست پرورده‌ی پدر و مادری است که زندگی مبارکشان پراز انوار درخشان فضائل و کرامات است و هر صفحه‌ی آن افق‌های وسیعی را به روی انسان می‌گشاید که فکر و اندیشه در اطراف آن به پرواز در می‌آید و ستارگان فضائل و مناقب در فضای آن غوطه‌ور می‌شوند.

آری!

او زینب علیها السلام است.

و توجه می‌دانی که زینب علیها السلام کیست؟

هی زینب بنتُ النبیِّ المؤمن	هی زینبُ اُمِّ المصائب و المحن
هی بنتُ حیدرة الوصی و فاطمه	و هی الشقیقةُ للحسین و للحسن ^۱

او زینب علیها السلام دختر پیامبر امین است، او زینب مادر همه‌ی مصائب و بلاها است، او دختر حیدر، وصی پیامبر صلی الله علیه و آله، و فاطمه علیها السلام است، او خواهر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

و اما اکنون - باید پرسید - آیا اصل و نسب عالی از اسباب عظمت و بزرگی نیست؟
و آیا علم فراوان همراه با فصاحت و بلاغت از موجبات شرافت و بزرگواری نیست؟
و آیا صبر بر سختیها و فجایع خونبار و حوادث دردناک، فضیلت به شمار نمی‌رود؟
و آیا شجاعت و روبه رو شدن با دشمن تندخوی و ستمگر و سرکش و خونخوار دلالت بر قوت قلب، ثبات قدم، ایمان صادق و عقیده‌ی راسخ نمی‌کند؟

و آیا صفات وفاداری و عطوفت و مهربانی و حیاء و عفت و پاکدامنی در پیشاپیش فضائل قرار ندارند؟

چه خواهی گفت اگر تمام صفات و دیگر نیکی‌های اخلاقی به وفور در وجود زنی جمع شده باشند؟

آیا آن زن، یگانه‌ی روزگار و افتخار تاریخ به شمار نمی‌رود؟
و اکنون بعد از این نگاه کوتاه و گذرا به برخی از جوانب عظمت و بزرگی در وجود مقدس حضرت زینب علیها السلام می‌گوییم:

چگونه می‌توان بر زندگی بانویی که بیشتر عمر شریفش را در پس پرده و در پوشش حجاب گذراند و کسی جز نزدیکان و خویشاوندانش از زندگی خانوادگی‌اش مطلع نشد احاطه پیدا کرد.

مصیبت حقیقی و واقعی این است که: تاریخ نیز بر او ظلم کرده است، همانگونه که مردم

بر او ظلم کردند، تاریخ بر او ظلم کرده همانگونه که بر پدر و برادر و خاندان پاکش ظلم کرده است، چرا که مورخان آن طور که شایسته و سزاوار اوست و شخصیت مقدسش اقتضاء می کند به شرح زندگی آن حضرت پرداخته اند.

با توجه به تمام این مسائل بر آن شدیم تا برخی از اطلاعات و مدارک و منابع تاریخی را که از زندگی آن حضرت به دستمان رسیده جمع کنیم، تا بتوانیم با گوشه هایی از زوایای نورانی زندگی شریف این بانوی بزرگ آشنا شویم، و از خداوند قادر و متعال می خواهیم که ما را در تحقق بخشیدن به این هدف موفق بدارد، که اوست صاحب تمام توفیقات.

«مؤلف»